



رسانه ملی و
بحران آرشیو!

صفحه ۲

گفتگو با سیدابراهیم حمیدی از

نخبه
درباره انشکده نماز اوردی زند

نخبه

از تیم ملی جودو تا
خوابگاه نظام دوست!
گفتگو با سیدابراهیم حمیدی از
پرستل خوش اخلاق و زحمتکش
حراست دانشگاه صدا و سیما

صفحه ۴



سال دوم | شماره هشتم | اردیبهشت ماه ۹۸ | شعبان ۱۴۴۰ | ۴ صفحه

حتی بدون من!

صفحه ۴

گفتاری پیرامون جذب دانشجویان و بدنه پنجاه هزار نفری سازمان صدا و سیما

سرمقاله

.. امیر موسیوند ..

کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی

آزادی یکی از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی و در کنار استقلال و جمهوری اسلامی یکی از سه رکن اصلی شالوده نظام اسلامی را تشکیل می‌دهد. آزادی بیان که یکی از شقوق اصلی آزادی است از ابتدا صراحتاً یکی از وظایف اصلی و شاید مهمترین وظیفه رادیو و تلویزیون بوده است که انقلابیون و قانون‌گزاران بر آن تأکید کرده‌اند. این موضوع هم در مقدمه قانون اساسی و هم در خود قانون اساسی (اصل ۱۷۵) به صراحت بر آن تأکید و سپس در قانون اداره سازمان صداوسیما مصوب سال ۶۱ هم گنجانده شده است. در ابتدای انقلاب هم به صورت تمام و کمال این مهم در صداوسیما پیگیری و لحاظ می‌شد تا جایی که در برنامه‌های زنده بزگان و مسئولین نظام و انقلاب (نه حتی اساتید حوزه و دانشگاه بلکه در بالاترین سطح مسئولین وقت در این برنامه‌ها شرکت می‌کردند) مانند شهید بهشتی، شهید مطهری، علامه مصباح یزدی و... سران احزاب و گروه‌های مختلف مانند حزب توده و نورالدین کیانوری به مناظره می‌نشستند و مباحث اسلام و انقلاب را تبیین و با شبهات و انحرافات آنان مقابله می‌کردند و این کار را تقویت کننده اسلام می‌دانستند و اما پس از مدتی گروه‌ها که از آزادی موجود و عدم استقرار نهادهای امنیتی سوء استفاده کردند و دست به اقدامات مسلحانه زدند که موجب شد این فضای آزادی که به حدی بود که امام می‌فرمود در جمهوری اسلامی کمونیست‌ها هم آزادند که حرفشان را بزنند بالاچبار کمی محدود و بسته شود و آن فضای آرمانی ابتدای انقلاب شکل نگیرد. سخن ما این است، امروز که به برکت خون شهدا امنیتی مثال زدن بر کشور حاکم است این امنیت باید توسط نهادهای مختلف نظام خصوصاً سازمان صداوسیما زمینه تحقق اصول قانون اساسی و آرمان‌های انقلاب شود که موجب تحول اسلام ناب و پیشبرد انقلاب می‌شود. معتقدیم این امر به صورت دستوری و با بخشنامه صورت نمی‌گیرد و نیازمند تحول فکری و ساختاری در رسانه ملی است و ما به عنوان تشکلی در دل دانشگاه صداوسیما که بخشی از نیروهای آینده سازمان در این دانشگاه تربیت می‌شوند رسالت خود می‌دانیم که این آرمان انقلاب اسلامی را در دانشجویان نهادینه کنیم و برای تحقق آن علی‌رغم موانع متعدد از مسئولین رسانه ملی مطالبه کنیم.

مقام معظم رهبری در بیانیه اخیر خود به مناسبت چهل سالگی انقلاب موسوم به گام دوم هشت شعار آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری را به عنوان شعارهای همیشگی انقلاب اسلامی نام بردند. ما معتقدیم این شعارها در کنار هم معنی و مفهوم می‌یابند. اگر عدای بر استقلال کشور تکیه کنند و آزادی و عدالت را نادیده بگیرند و یا بر معنویت و اخلاق تمرکز کنند و عقلانیت و استقلال را کنار بگذارند در حق کلیت انقلاب و آرمان‌های آن ظلم کرده اند چرا که این آرمان‌ها مکمل یکدیگرند و توجه به یک مورد بدون در نظر گرفتن سایر آرمان‌ها حتی خود همان یک آرمان را هم زایل می‌کند. رسانه ملی نیز ضمن توجه به حفظ وحدت و استقلال کشور که مورد همه دشمنان است باید به آزادی و عدالت نیز به همان میزان توجه کند زیرا موجب اعتماد زایی در بین مردم و در نهایت همگرایی آنان در جهت حفظ استقلال و پیشرفت کشور می‌شود.

آقای رئیس به قانون و قول خود عمل کنید!

علی داریوی معاون امور استان‌ها

سیدمرتضی میرباقری معاونت سیما

عبدالرضا بولالی مدیر شبکه خبر

محمد رضا جعفری جلوه مدیر شبکه دو

سیدمهرالدین سیدمهدی مدیر خبرگزاری صدا و سیما

لردشیر زابلی زاده مدیر شبکه ایران کالا

احمد شهریار مدیر برنامه ریزی و منابع مالی معاونت

عباس مهدوی مهر مدیر کل بازرگانی

مجید اخوندی معاونت سیاسی

گزارش نبض صداوسیما از پرونده فراموش شده مدیران بازنشسته رسانه ملی

آقای رئیس به قانون و قول خود عمل کنید!

ایلاف قانون منع به کارگیری بازنشستگان در واپسین روزهای تابستان ۹۷ از سوی رئیس مجلس به دولت را می‌توان واپسین نفس‌های مدیران همیشه حاضر در صحنه برای ماندن بر مسئولیت هایشان دانست. قانونی که بر طبق آن تنها اجازه به کارگیری بازنشستگان را برای روسای سه قوه، معاون اول رئیس جمهور، نواب رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شورای نگهبان، وزرا و معاونان رئیس جمهور می‌داد و به نوعی نگرانی‌های حقوق خوانده‌ها را از بابت وسعت استثنائاتی که معمولاً در نگارش چنین قوانینی حادث می‌شد را هم از بین برده بود. طبق اعلام «حسین میرمحمدصادقی»، معاون قوانین مجلس، هر مدیر بازنشسته‌ای که از ۲۶ آبان ماه به بعد در مسئولیتش باقی می‌ماند مجرم تلقی می‌شد و قوه قضائیه نیز باید او را مجازات می‌کرد. ایجاد شور و نشاط در سطوح میانی بسیاری از سازمان‌ها و طیف نخبگانی جامعه که مدت‌ها منتقد نگاه‌های فرتوت و محافظه کارانه مدیران اسقاطی ارگان‌های مختلف کشور بودند و کلبه‌دواز «جوانگرایی» را به عنوان یک گفتمان تئوریزه می‌کردند، از نتایج تصویب چنین قانونی بود. طبق پیش بینی‌های تخمینی در سازمان صداوسیما نیز اکثریت شورای معاونین و همچنین بیش از ۱۰۰ مدیر ارشد سازمان نیز مشمول این قانون می‌شدند و طبیعتاً اجرای آن، تحولی بزرگ در ساختار مدیریتی صداوسیما ایجاد و سبب آن می‌شد که تعداد زیادی از نیروهای جوان و تازه نفس با ایده‌های بهرور تر به بدنه مدیریتی رسانه ملی تزریق شوند. اما دقیقاً در روزهای پایانی مهلت مقرر شده و در شرایطی که مردم شاهد کناره‌گیری مدیران ارگان‌های مهم از جمله شهرداری پایتخت و بیش از ده استاندار کشور بودند، اخباری از گوشه و کنار مبنی بر درخواست‌های مکرر رئیس صداوسیما از رهبری برای حفظ مدیران ارشد سازمان و پافشاری وی بر این مسئله به گوش می‌رسید. اسرارهای دستگاه‌های مختلف نهایتاً منجر به واکنش علنی رهبر انقلاب در جلسه خارج فقه سیزدهم آذرماه سال قبل شد. ایشان در ابتدا چنین قانونی را نیاز مبرم کشور دانستند و آن را یکی از راه‌های ورود جوانان به عرصه مدیریت کشور تلقی کردند اما در ادامه و با توجه به درخواست‌های بعضی از مسئولین مبنی بر استثناء قائل شدن بعضی از نیروهای ارگان تحت مدیریت شان، فرمودند: «بعضی از افراد هستند، به‌مثلاً سال‌ها خدمت کرده‌اند، بازنشسته هم شده‌اند، فرض کنید که بیست‌ساله بوده، هجده‌ساله بوده استخدام شده، حالا هم یک مردی چهل و هشت‌ساله، پنجاه‌ساله است، وقت کارش است و تجربه‌ای خوبی هم پیدا کرده، جایگزین هم ندارد؛ این است دیگر؛ قانون این را هم شامل می‌شود، اما مشمول قانون نسبت به این جور آدم‌هایی که کم‌وبیش پیدا می‌شوند، ممکن است زیاد هم نباشند، درست نیست، خوب حالا آن! مسئول، آن مدیر چه کار کند برخلاف قانون؟ اینجا به فکر ولایت فقیه می‌افتد که بالاخره ولی فقیه اجازه بدهد. می‌آیند از ما سؤال می‌کنند، ما هم مواردی را، بنده این‌ها را که نسبت به آنها می‌آیند سؤال می‌کنند که نمی‌شناسم، مگر بعضی معدودشان را؛ ممکن است دو نفر، سه نفرشان را بشناسیم؛ معدودی از آنها را می‌شناسیم، آنها را هم که نمی‌شناسیم، اگر به آن مدیر اعتماد داشته باشیم قبول می‌کنیم. مسئله این است و الا اصل این قانون، قانون خوبی است، باید هم اجرا بشود».

در همان ساعاتی که رهبر انقلاب در حسینیه امام خمینی (ره) خیابان فلسطین چنین سخنی را ایراد کردند، دکتر «علی عسگری»، رئیس سازمان صداوسیما در جلسه‌ای که به مناسبت روز دانشجو با تعدادی از تشکلهای دانشجویی در جام جم داشت، دلیل درخواست خود برای معافیت موقت تعدادی از نیروهای رسانه ملی را چنین عنوان کرد: «با توجه به وجود برخی حساسیت‌ها در کار رسانه و ضرورت بهره‌مندی از تجربیات نیروهای متخصص و با تجربه قدیمی امکان بازنگری آن‌ها به صورت همزمان آسیب‌هایی را به همراه داشت، لذا این تأخیر به این دلیل است که خللی در کار ایجاد نشود و به همین علت اجازه گرفتیم تا با تأخیر این تعداد بازنشسته شود و بتوانیم جایگزین‌های مطمئنی برای آن‌ها پیدا کنیم». او همچنین در آن جلسه ۲۲ بهمن ماه را تاریخ جدید برای جایگزینی مدیران بازنشسته رسانه ملی اعلام کرد.

نظرات نیز در مسئولیت‌هایشان حاضر هستند و برخی هم مانند آقای علی داریوی و لردشیر زابلی زاده که در دانشگاه صداوسیما تدریس می‌کردند با رتقابه رتبه علمی دانشیاری در روزهای آخر از شمول قانون مستثنی شدند. حالا دیگر آن فضای با طراوت روزهای ابتدای تصویب قانون منع به کارگیری بازنشستگان هم وجود ندارد و جو مطالبه‌گری برکناری مدیران سالخورده فروکش کرده است و برای جامعه چنین جافاته که صداوسیما خسران را از پل گذرانده و حال که از سطوح عالی حاکمیت در این زمینه کسب اجازه کرده نیازی به عمل به وعده هایش ندارد. فراموشی رسانه ملی در تغییر مدیران بازنشسته همچنین عوارضی را نیز در جامعه و خود سازمان پدید آورده است. از طرفی هر چند که اضطراب و موقتی بودن در اجازه رهبر انقلاب مشهود به نظر می‌رسد اما عدم پایبندی به آن باعث می‌شود تا تمامی هزینه‌های اجرایی نشدن چنین قانونی مانند شکستن قیادت قانون و لوس شدن آن، سالیکی انقلاب موسوم به گام دوم هشت شعار آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت و برادری را به عنوان شعارهای همیشگی انقلاب اسلامی نام بردند. ما معتقدیم این شعارها در کنار هم معنی و مفهوم می‌یابند. اگر عدای بر استقلال کشور تکیه کنند و آزادی و عدالت را نادیده بگیرند و یا بر معنویت و اخلاق تمرکز کنند و عقلانیت و استقلال را کنار بگذارند در حق کلیت انقلاب و آرمان‌های آن ظلم کرده اند چرا که این آرمان‌ها مکمل یکدیگرند و توجه به یک مورد بدون در نظر گرفتن سایر آرمان‌ها حتی خود همان یک آرمان را هم زایل می‌کند. رسانه ملی نیز ضمن توجه به حفظ وحدت و استقلال کشور که مورد همه دشمنان است باید به آزادی و عدالت نیز به همان میزان توجه کند زیرا موجب اعتماد زایی در بین مردم و در نهایت همگرایی آنان در جهت حفظ استقلال و پیشرفت کشور می‌شود.

واید در اولویت قرار بگیرد.

بحران آرشیو!



سخه با کیفیت و البته معدوم شده خواننده‌های کابارهای پیش از انقلاب را در برنامه تونل زمان تماشا کرد! ای کاش این غائله به فیلم رقص‌های کابارهای ختم می‌شد اما نشد! فیلم کامل مذاکرات مجلس خبرگان رهبری، مجلس شورای اسلامی، دیدارهای امام خمینی(ره)، میتینگ‌های سیاسی ابتدای انقلاب و بسیاری دیگر از اتفاقات تاریخ معاصر ایران نیز، در چنگال منوتو گرفتار است!

و ای کاش که فقط منوتو، بازیگر این عرصه می‌بود! شبکه ایران اینترنت‌شال وابسته به سعودی هم با قدرت پا به عرصه مستندسازی گذاشته و مجموعه مستند بهمن این شبکه، دقیقاً نقش انقلاب ۵۷ را بازی می‌کند! تا بحال سعی کردم عمق فاجعه را صرفاً تبیین کنم و نقش دست‌های بیگانه را در روایت تاریخ معاصر ایران تحلیل کنم اما این، همه ماجرا نیست. حسب تجربه نگارنده در امور حوزه آرشیو و پژوهش تصویری، مسجل است که این هجمه به شبکه‌هایی مانند منوتو، ایران اینترنت‌شال، بی بی سی و ... فراری رو به جلو و با هدف رفع لایذ بلافاصله به منوتو نیز تحویل داده‌اند! حالا می‌توان

::امیرحسین کریمی::

کارشناسی ارشد مدیریت رسانه



حدوداً ۵ سال قبل بود که سری اول مستند انقلاب ۵۷ از شبکه منوتو پخش شد. مستندی که موجی از نگرانی را در میان دغدغه‌مندان ایجاد کرد. مردم آگاه گفتند که این روایت از پهلوی دروغ است، جوانان نسل جدید گفتند که شاه خدایامرز عجب مرد بزرگی بوده و مسئولین فرهنگی نیز بی‌خیال از همه‌جا در پی این بودند که بدانند، آرشیو محرمانه صداوسیما جمهوری اسلامی، بر روی آنتن یک شبکه سلطنتی تازه تأسیس چه می‌کند؟؟؟ تلخ بود اما حقیقت داشت. از بنیاد روایت فتح گرفته تا آرشیو صداوسیما، همه غارت شده بود. ضرغامی تکذیب می‌کند اما محمد سرفراز (رئیس اسبق) می‌گوید که عده‌ای به بهانه معدوم کردن فیلم رقص‌های پیش از انقلاب، آنها را از سازمان تحویل گرفته و لایذ بلافاصله به منوتو نیز تحویل داده‌اند! حالا می‌توان

به مغول‌نیزها اجازه‌ی عرض اندام ندهید...



::محمدصادق عالی‌شوندی::

کارشناسی کارگردانی



ناراضی‌های اقتصادی مردم وجود دارد و اعتراضات هم حق مردم است اما یک باره این رسانه‌های زیرزمینی مثل مغول حمله می‌کنند و فضا را به آشوب می‌کشند. تعریف نگارنده از رسانه‌ی زیر زمینی امثال آنروز و رسانه‌های استعماری مثل بی بی سی و من و تو است که سوار بر موج اجتماعی می‌شوند و افکار عمومی را به هر سو که می‌خواهند می‌برند.

اگر حوادث ۸۸ را بدون مواضع سیاسی بررسی کنیم متوجه می‌شویم که رسانه ملی وظیفه دارد تمام جریان‌های سیاسی کشور را پوشش دهد، شاید لازم نباشد عیناً مو به مو به اندازه‌ی وزن هر جریان به آن تریبون دهد، مهم این است که آن گروه را از رسانه‌ی رسمی کشور حذف نکند به ویژه اینکه تصور اکثریت مردم این است که هر آنچه در رسانه‌ی ملی اتفاق می‌افتد و گفته می‌شود حرف و مواضع راس نظام است.

وقتی یک گرایش سیاسی فارغ از به حق بودن یا نبودنش از رسانه‌ی ملی حذف می‌شود استفاده از رسانه‌ی زیر زمینی را تضمین کرده و وقتی راه آن گروه را از رسانه‌ی رسمی کشور کنترلی روی آن وجود ندارد که اگر این اتفاق بیفتد هزار و یک مشکل برای سیستم امنیتی کشور پدیدار می‌شود که نمونه‌ی آن نود درصد این کال‌های تلگرافی است که دست کمی از همان دروغ‌نیزوهای وابسته‌ی غربی ندارد.

درومرد این تجمعات گله و بی‌گانه اخیر نیز باید صدای معترضان از رسانه‌ی ملی انعکاس داده شود که اگر نشود رسانه‌های دشمن جوری به آن جهت می‌دهند که هدفی جز زیر و رو کردن خاک این وطن ندارند و امثال آمدنیزو که چیزی نمی‌خواهند جز تجزیه‌ی خاک این وطن. نکته‌ی دیگر اینکه کلیت نظام باید استقلال رسانه را درک کند. هیچ مقامی اعم از لشکری و کشوری نباید بتواند به رسانه امر و نهی کند. اما متأسفانه امروز یک مسئول خرد حکومتی نیز خط مشی برای رسانه تعیین می‌کند حرف این است که برای دفاع از کلیت نظام به رسانه نیاز است، رسانه‌ای که مقابله به آن پاسخگو باشند نه که پاسخگوی مقابله باشند.

خلاصه اینکه وقتی سمران زیر برف خست و خبر را پوشش ندهیم با اینکه یک طرفه پوشش همیم این اخبار را اول کردیم به امان خدا و گوشت را دادیم دست رسانه‌های مغولی. تازه قضیه همین‌جا تمام نمی‌شود چرا که این کاری اعتمادی مردم به رسانه‌ی ملی را در پی دارد. در پایان معتقدم که رسانه‌ی ملی مثل سرود ملی است مثل ورزش ملی یعنی ملت همه‌ی مردم است. رسانه باید بتواند بدون ترس از نهادهای و وزارتخانه‌های صلا‌ی همه‌ی مردم باشد رسانه باید فرصت به همه‌ی جریان‌های سیاسی دهد که اگر نهد می‌شود آنچه شده.

پایان، آرشیو صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران! البته این‌ها که نام برده شود، مطابق با تجربه شخص نگارنده در حوزه آرشیو تصویری بوده و بلاشک، منابع شناخته شده دیگری نیز در تأمین محتوای مستندهای انقلاب ۵۷ و امثال آن، نقش پررنگی داشته‌اند.

اما مقصود نگارنده از موشکافی آرشیو مستندهای شبکه‌های بیگانه چیست؟؟؟ اول اینکه از این توهم گذر کنیم که اگر نبود آرشیو صداوسیما، منوتو هیچ غلطی نمی‌توانست بکند! شاید بیش از ۸۰ درصد آرشیو این شبکه، حداقل برای مستندهای تاریخی‌شان، با جستجو، صرف زمان و هزینه قابل توجه و تلاش بسیار زیاد، به دست آمده باشد.

دوم اینکه به مسئولین رسانه‌های هشدار بدهم، این انفعال رسانه‌ای نه بعلت آرشیو غنی منوتو بلکه بعلت کم کاری خود ماست. خبرگزاری‌های بزرگ دنیا مانند رویترز و امثالهم توجهی ندارند که چه کسی مشتری‌شان است! برایشان فرقی ندارد که منوتو هستند یا صداوسیما، آنها صرفاً با دلار راضی می‌شوند. سوال اینجاست که چرا مسئولین ما این هزینه را نمی‌پردازند؟؟؟ یا به کی باید منتظر باشیم، تاریخ انقلاب پرشکوه خمینی کبیر را، تلویزیون وابسته به ربع پهلوی و دست نشاندگان سعودی روایت کنند؟! اگر هنوز ضرورت و اهمیت روایت تاریخ را درک نمی‌کنید، نکته‌ای را یادآور می‌شوم که شاید باورتان شود، در یک پیچ تاریخی-رسانه‌ای قرار گرفته‌ایم!



نکته‌ای کوتاه اما بسیار قابل تأمل؛

کارگردانی سری دوم انقلاب ۵۷ که سراسر دروغ و

درحال جنگ بر سر روایت تاریخ‌اند. برنده جنگ فرهنگی امروز، کشوری ست که تاریخش را باشکوه روایت کند. این را فرانسه‌ای می‌داند که در جنگ جهانی دوم، عمیقاً تحقیر شد و اگر روسیه نبود، امروز اثری از متفقین باقی نمی‌ماند، اما کم‌دی قصه اینجاست که این تلویزیون فرانسه است که با تلاش گسترده و هزینه فراوان، درحال روایت تاریخ است. ایزابل کلارک، توانسته ناب‌ترین فیلم‌های موجود از ۱۰۰ سال گذشته را دیجیتال، اصلاح رنگ و در پایان، رنگی بکند و در قالب مجموعه‌های مختلف آخرالزمان، تاریخ معاصر دنیا را روایت بکند.

آری...

ظواهر در دنیای امروز، دیگر این فاتحان نیستند که تاریخ را می‌نگارند.

روایح سرنوشت ما و روسیه در اینجا هم به یکدیگر گره خورده است؛

تاریخ جنگ جهانی را نه روسیه فاتح که فرانسه اشغال شده روایت می‌کند.



تاریخ انقلاب اسلامی ایران را نه جمهوری اسلامی بلکه ربع پهلوی و آل سعود روایت می‌کنند!

پیشنهادهات؛

تشکیل یک کمیته برای خرید، تهیه و تجمیع هرآنچه که از عکس و فیلم در منابع آرشیوی دنیا و ایران با موضوع ایران وجود دارد.

دیجیتال کردن این تصاویر و از همه مهم‌تر، ایجاد دسترسی قاعده‌مند برای همه مستندسازان دغدغه مند فارغ از میزان وابستگی به نهادهای مختلف و در پایان، فراخوان عمومی برای ساخت مستند وبه عهده گرفتن تأمین آرشیو آن.

فرهنگ غنی دینی، رهبری الهی و مجریان ناکارآمد



::سیده زهرا اسیدآقایی::

کارشناسی روزنامه‌نگاری

همواره از اولویت‌ها بحث به میان می‌آید مانند ایجاد عدالت اقتصادی و برابر سازی همهی اقشار جامعه اما امروزه شاهد کاهش کیفیت زندگی دهک‌های متوسط و پایین هستیم .

باینکه مقام معظم رهبری در خطاب به مسئولین می‌فرمایند: مسئولان نظام اسلامی بدانند شکر نعمت مسئولیتشان در این است که به بندگان خدا نزدیک‌ی بیشتری پیدا کنند، با آنان نشست و برخاست کنند و نسبت به آن‌ها مهریان و توجه بیشتری به خرج دهند .

اما با ناکارآمدی برخی مسئولان در جامعه هر لحظه این بی‌ثباتی را بیشتر و پرنامه ریزی مردم را برای ادامه زندگی سخت‌تر می‌کند .

آن‌هایی که از این نابرابری سود می‌برند ، در برابر مطالبه‌گری مردم پاسخی نمی دهند و این نگاه تبعیض‌مناهنه شامل بهره‌کشی از کودکان کار هم می‌شود نگاهی که ختم به زمان بردهداری سیاه پوست ها می‌شود .

این همه ادعا از کجا سرچشمه می‌گیرد و راهکار اصلاح حکومت‌داری چیست ؟ همچنین امام علی (علیه السلام) در نامه به مالک اشتر فرمودند: به وضع مأمورین خود رسیدگی کن و کارهای خود را به دست نیکان آنان بسپار! نامه‌هایی را که نقشه‌ها و اسرار را در بردارد به دست کسی بسپار که در فضایل اخلاقی از همه شایسته‌تر باشد. کسی باشد که احترامت به وی او را مغرور نسازد و در مخالفت با تو به حضور دیگران گستاخ نگرده. کسی باشد که غفلت تو موجب نشود که گزارش فرمانداران و نمایندگان و نامه‌های آنان را به تو ندهد و جواب شایسته که مناسب توست برای آنان صادر نکند .

فراقبتی مسئولان نسبت به مشکلات مردم را از آن نهاد و دولت دور میکند و بی اعتمادی در جامعه رواج پیدا می‌کند و تجربهای تلخ از خود برای همیشه بجا خواهد گذاشت و با حضور افراد مدعی ، ناتوان و بی ملاحظه در روند اتخاذ تصمیمات موجب عمل ناشیانه و نادیده گرفتن همه امکانات و عوامل انسانی در مسیر تحقق ارزش ها و اهداف ملی می‌شود . حال در این دوره وانفاس مقام معظم رهبری مانیفست پنجاه سال آینده را ترسیم کرد آیا این سردمداران پاندهای سیاسی توانایی علمی و عقلی برای اجرای کردن این دستور العمل را دارند ؟

از آرمان قاسازمان



گزارش نبض دانشجویان نشست «از آرمان تا سازمان»
با حضور وحید اشتری، میلاد گودرزی و محمدرضا شفاء

سوره و دانش آموخته دانشگاه صادوسیم را این نشست با طرح مقوله جوانگرایی در عرصه های مختلف رسانه ملی گفت. یک بخش مهمی از آنچه که باعث شده صادوسیم بعد از گذشت سال ها به چنین وضعیت و رکودی برسد، مسئله عدم توجه به حضور جوانان و ذائقه های جدید فکری و تازه در عرصه های مختلف، چه مدیترتی و چه سطوح بین تر است و در واقع این مسئله یکی از چالش های کلان جمهوری اسلامی نیز به حساب می آید. گرچه اتفاقات مودی در این زمینه رخ داده اما ساختار کلان صادوسیم محافظه کارانه عمل می کند و بخشی از آن نیز خودخواسته نیز هست. این نگاه محافظه کارانه باعث شده که جذاب ترین برنامه ها مانند منظره های هفتگی هم دیگر برای مردم جذابیتی نداشته باشد. اگر بپذیریم با ضعف های ساختاری فعلی نیز باید صادوسیم را پیش برد، مقوله عدم گرش نخبگان ضربه جبران ناپذیری به پیگیر سازمان صادوسیم وارد کرده و موجب ناکارآمدی در حوزه های مختلف شده است. همچنین دانشگاه صادوسیم و عملکرد آن را در وضعیت فعلی موثر ندانست و افزود: دانشگاه صادوسیم به عنوان بخش تاثیرگذاری که باید در حوزه تربیت نیرو و کارسازی ورود جدی کند، خروجی مطلوبی در این زمینه ندارد و مشمر ثمر نیست. نیروی جوان حاضر در این دانشگاه، اگر اجازه ظهور و بروز در حوزه مختلف کاری در سازمان صادوسیم را داشته باشند، ظرفیت های بالقوه ای را بالفعل خواهند کرد.

که اداره رادیو تلویزیون را برعهده داشت، جای خود را هیئت نظارت بر صداوسیما می دهد و قوای سه گانه نهایتاً یک نظارت دکتوری در این زمینه بر رسانه ملی دارند. وی همچنین درباره بازنگری اصل ۱۷۵ قانون اساسی در سال ۶۸ افزود: نکته ای که در بازنگری قانون اساسی مغفول مانده و شاید در بافت سال ۶۸ به آن توجهی نبوده، آن است که هر نهادی زمانی که زیر نظر رهبری می رود، دچار مصونیتی می شود که دیگر این سازمان به هیچ فردی و گروهی پاسخگو نخواهد بود. مسئله ای که همان سال ۶۸، رهبری به آن واقف بودند و از همین رو با قرار گرفتن آن در ذیل اختیارات ولی فقیه مخالف بودن اما قانون ایستگه تصویب شد. در حال حاضر سوال اصلی آن است که رئیس سازمان صداوسیما به چه کسی پاسخگو است و چگونه می توان بر آن نظارت کرد؟ به نظر می رسد که برای بهره وری بهتر نظارت بر عملکرد رسانه ملی نیاز به بازنگری مجدد قانون اساسی در اصل ۱۷۵ و نوع مدیریت صداوسیما نیاز داشته باشیم. این فعال رسانه ای همچنین درباره نسبت ناآرامی صداوسیما و وابستگی مالی آن به قوه مجریه گفت: سهم مسائل مالی و وابستگی رسانه ملی به قوای دیگر در ناآرامی و بازوی ارگان های مختلف شدن انکار ناپذیر است اما این همه مسئله نیست چرا که اگر بوجه این رسانه اگر کاملاً مستقل باشد همچنان معضلات فکری و محتوایی همچنان پابرجاست.

نیاز به گردش گشتن داریم

همچنین محمدرضا شاه، مدیرعامل باشگاه فیلم

که مستقل و چابک باشند، تبدیل و هر کدام پیگیر حل مسائل برای رسیدن به نقطه مطلوب باشند، سالانه چندین هزار مسئله و معضل را می تواند پیگیری و حل کرد و یک خروجی ملموسی در این زمینه دیده خواهد شد که یکی از نتایج این ایجاد سرمایه اجتماعی است.

سرمایه اصلی این است که رئیس سازمان صادوسیمیا به چه کسی پاسخگو است؟

وحدان استری عضو سابق جنبش عدالتخواه دانشجویی و فعال رسانه ای نیز در این میز گرد با دسته بندی مشکلات صادوسیمیا به ۲ حوزه ساختاری و محتوایی اظهار داشت: بخشی از این است که صادوسیمیا در حوزه فکری و محتوایی در مقام نقد فضای موجود نیست، تلقی فعلی جامعه از فضای رسانه ملی به گونه ای است که این سازمان را بازوی نهادهای ارگانی مختلف برای توجیه اعمال و رفتار شان می داند. نحوه پوشش خبری و موضوعاتی مانند توزیع سبد کالا، انصراف مردم از میزانه ها و ... مثل های قابل توجیه در این زمینه هستند. اما بخش دیگر این آسیب شناسی، ایرادات ساختاری در صادوسیمیا است. قانون حاکم بر رسانه ملی مصوب سال ۵۹ و ۹۰ سال پیش از بازنگری قانون اساسی در سال ۶۸ است و صادوسیمیا همچنان با همان قانون اداره می شود. قانون جامع نظارت بر صادوسیمیا نیاز هست که در مجلس خاک می خورد. مشخص نیست که رئیس سازمان صادوسیمیا باید به چه کسی پاسخگو باشد در بازنگری قانون اساسی، شورای سرپرستی صادوسیمیا

میزگرد تحلیلی «از آرمان تا سازمان» با موضوع بررسی فاصله رسانه ملی با آرمان های انقلاب اسلامی در دانشگاه صادوسیما برگزار شد.

«میلاد کوزری»، سرپرست رسانه اینترنتی شهرداد در این میزگرد با بیان اینکه صادوسیما به یک کل یکپارچه بلندگوهای حاکمیت تبدیل شده و عبارت رسانه دولتی را به خوبی فهم نکرده، گفت: از طرفی صادوسیما به روابط عمومی حاکمیت جمهوری اسلامی تبدیل شده و از طرف دیگر تمامی تولید محتوای روزانه رسانه ملی همگی در راستای همان روابط عمومی بودن است که این مسئله باعث ایجاد یک قاعده مبهم و شفاف برای تولید کنندگان شده است در حالی که اصلا لزومی ندارد که تمامی رسانه های ساخته شده در صادوسیما موضوع انقلاب و نظام باشند. وی همچنین درباره نسبت مسئله ها و دغدغه های مردم و تلویزیون افزود: نقش رسانه در مواجهه با مسائل مردم در سه سطح دیده می شود. اول اشکار. به دلیل ملاحظات مختلف مسئله از سوی رسانه انکار می شود. به عنوان مثال وزیر امور خارجه استعفا می دهد و ۲۴ ساعت به هیچ یک از بخش های خبری به آن نمی پردازد. دوم روایت که صرفا روخوانی و به نوعی بازتاب صرف خبر است که صادوسیما ی ایده آل باید از این سطح هم عبور کند. سوم مسئله محوری رسانه. یعنی رسانه خود باید برای حل آن، وارد مسئله شود و آن را از وضع موجود به وضع مطلوب ببرد. چند سطحی برای رسانه ملی نیز یک آرزو به حساب می آید. یکسوم نیروهای فاعل، دوسومیا به گروه های کوچک مسئله محور



غرازیان قسمت‌های پخش برنامه عصر جدید را منتقد برنامه‌بوم.

به نظر عصر جدید با «استعداد» خواندن آنچه شرکت کنندگان بر روی صحنه اجرا می‌کنند؛ در عین عمومیت از «استعداد» عوایج ایجاد می‌کند و همین در مورد اشتراکات حقایق بخشی از لایه‌های جامعه موجب انحراف می‌شود. آنچه بر روی صحنه عصر جدید شاهدش هستیم بیشتر مستحق واژه‌ای دیگر است. شاید «توقیات» در برابر «استعداد» واژه در خوری باشد برای اجرای ترک کنندگان.

عصر جدید» در دسته بندی برنامه‌های سرگرم کننده محلی از اعراب براریم نداشت اما به دو دلیل بنیالیش کردم. حضور دکتر سیدبشیر حسینی در برنامه به عنوان داور، اولین ویژگی برنامه عصر جدید است. خود استخوان سواد مدیریت رسانه، که از هوستان نزدیکش شنیده بودم که او در قالب برنامه‌های تلویزیونی دغدغه گفت و گو و مفاهیم دینه هفتاد و هشتادی‌ها دارد؛ حالا با آن پیش زمینه دانشگاهی و این دغدغه اجتماعی و استانی، نزول اجتناب کرده و با پایین آمدن از کرسی دانشگاه با دو سلیب‌ریتی هم‌نشین شده است. اینکه او با این کار می‌خواهد چه مایه‌ای از سیلاب روشنفکری را به جدید بگرداند که به موجب منصف روشنفکری را با داورای برنامه سرگرمی عوض کرده برام بوم.



لیل دیگر پیگیری عصر جدید، فراگیر و مخاطب شدن ناگهانی برنامه از سوی مردم است. می‌شود از انتخاب‌های عمومی مردم غفلت کرد و سبب بدان‌ها بی تفاوت بود و برای‌شان تحلیلی داشت.

دین چندین قسمت از برنامه در قسمت بیستم به این جمع‌بندی رسیدم که عصر جدید حتماً می‌توان یکی از تعیین‌های «عصر عمومی» دانست.

یکی از کارونه‌های عصره عمومی که «هابرما» درباره‌اش برامان نوشته شکل‌گیری هویت «ما» است. جایی که در نتیجه گفت و گو و معاشرت عده‌ای با هم، هویت «ما» در میان آنان تبلور می‌شود. اگر درب‌های عصره عمومی بسته و درب‌های خشونت باز خواهد شد. جایی که «ما» نشویم همه برای هم «آنها» مییم.

جامعه ایران با تنوع قومی و موزاییکی خود به شدت نیازمند قوام این «های ایرانی است» به شدت نیازمند عرصه‌ای عمومی است که در نتیجه گفت و گو و معاشرت در آن، این «های ایرانی» قوت‌یاب شوند. عصر جدید عرصه عمومی است که حاصلش «های ایرانی» شده است. این ماییم؛ امر، کار، بله، گوی و... که در عصر جدید با هم می‌خندیم و سرگرم می‌شویم. ساختن عصره عمومی و قوام این «های ایرانی» کار ساده‌ای نیست.

می‌باید ارزش نزول اجلال داشت، صفای دکتر سید بشیر حسینی عزیز، صیدش و لواری و چودانی.

برگرفته از صفحه اینستاگرام جعفر حسن خانی

اپیدی خود متخصص پنداری!



در هشت پرده

پرده اول

در ایام نوروز خندوانه برنامه ویژه داشت و با این که این برنامه ها قبل از عید ضبط شده بود مورد انتقاد قرار گرفت که سیل و وضعیت بحرانی مردم را نادیده گرفته است.

پرده دوم

مهران مدیری که توپش پر بود در روز سیزدهم فروردین در برنامه‌ای ضبط شده (که از تدوینش شمشخص بود بسیار اصلاحیه خورده است) همه مسئولین و حتی مردم را به باد انتقاد گرفت و به قول خودش قرار بوده که امید را به مردم تزریق کند!

پرده سوم

وزیر کشور که مرد اول مدیریت بحران است با انتقاد از مهران مدیری به رئیس سازمان صدا و سیما توصیه می‌کند که نباید تنها به یک تشر پسندنده کند و باید او را تبیین کند؛ اینکه وزیر کشور با این همه دغدغه شغلی در میانه بحران، بیننده تلویزیون بوده خود مایه مباحث تلویزیون و نشان دهنده میزان مخاطب و اهمیتش است.

است واضح است که این نوع تصمیمات از بدیهی ترین اختیارات یک مدیر است.

پرده چہارم

پرویز پرستویی اخیرا تلویزیون را تحریم کرد و از هنرمندان خواست که در ایام نوروز به تلویزیون

پرده پنجم

خود متخصص پنداری پرویز پرستویی جاهای دیگر نیز کار دستش داده است. پرستویی که به گفته خودش سالها آرزوی همکاری با مسعود کیمیایی را داشت در فیلم آخر کیمیایی بازی کرد و در مصاحبه ای گفت که این فیلم بهترین فیلم کیمیایی بعد از انقلاب خواهد بود. بعد از مدتی پرستویی در اختلافی که بین کیمیایی و تهیه کننده بر سر برخی پلانها بوجود آمده بود طرف تهیه کننده را گرفت و این اختلاف با مصاحبه های تلخی از جانب دو طرف ختم شد. اما هر ناوآمز هنر می داند که حداقل اختیار کارگردان انتخاب نماها در فیلمبرداری و نهایتاً تدوین است. پرستویی قبلاً هم با تهیه کننده فیلم «بچه های آسمان» داشت. حتماً یک پرستویی را برای اجرای بازی در نقش چمران انتخاب کرده بود و پرستویی، پس از تست چمران

پرده هفتم

عادل فردوسی پور در نقش تهیه کننده برنامه
۱۲۰، محمدحسین میناچی را از مجری گری
برنامه کنار گذاشت و حمید محمدی را جایگزین او
کرد. اینکه عادل به عنوان تهیه کننده برنامه حق
عضویت مجری اش را دارد ولی رئیس شبکه
نباید عادل را عوض کند نیز خودش چالشی برای
عدالت و انصاف است.

پرده هشتم

شب‌نیم مقدمی بازیگری که الان در سریال هیولای
مهرمان مدیری بازی می‌کند در ویژه برنامه نوروز
دورهمی مهمان بود و در بخشی از برنامه گفت:
«اصولاً از اظهار نظر راجع به مباحثی که تخصص
ندارم پرهیز می‌کنم و بنظرم همه باید این کار را
بکنند».

افزایش سه برابری

کمک هزینه تحصیلی دانشجویان
وضعیت نامشخص ورودی های ۹۷

به گزارش نبض صداوسیما، در ایام منتهی به نوروز ۹۸ خبر افزایش سه برابری کمک هزینه تحصیلی دانشجویان و پرداخت همه معوقات آنان تا قبل از عید نوروز منتشر شد. به پیگیری های نبض صداوسیما در همان ایام مشخص شد که ورودی های ۹۷ به دلیل اینکه مراحل حقوقی لازم که از طرف دانشگاه و سازمان صورت می گیرد برای این دانشجویان انجام نگرفته است و نمی توانند این مبلغ را دریافت کنند این در حالی است که مراحل حقوقی و گزینش زمان بندی مشخصی ندارد و مشخص نیست دانشجویان ورودی ۹۷ چه زمانی می توانند از این تسهیلات استفاده کنند. پیگیری های ما مشخص کرد که دانشجویان مقطع ارشد علوم ارتباطات ۹۷ برخلاف سایر دانشجویان هنوز مراحل گزینش آن ها نیز طی نشده و مسئولان هم در مقابل پیگیری آنان جواب مشخصی ندادند.

عشق اعظم



به مناسبت میلاد با سعادت حضرت ولی عصر (عج)

بنگر که داغ هجر تو با ما چه می کند
صف جمال روی تو جانا چه می کند
ترک نگاه مست تو ای روشنی سبز
با اشک خون و چشم تمنا چه می کند
ای آفتاب مه گرفته عالم، طلوع کن
هستی بدون نور تو فردا چه می کند
شب در سیاه چشم تو آوارگی کشید
با خال دل فریب تو پلدا چه می کند
ای شهسوار حسن به بازار عاشقی
یوسف به پیش حسن تو سودا چه می کند
هفت آسمان به آه تو هستند و برقرار
ورنه حیات و موت به عیسی چه می کند
تنها تویی بهانه ی عاشق شدن، بیا
توضیح واضح و معنا به معنا چه می کند
تا روشنی شمس و قمر از وجود توست
با این طلیعه گو، بد بپضا چه می کند
بیراهه می رود دل آن مدعی، بگو
در لابلای خرمن آسما چه می کند
او اسم اعظم و نبی، عشق اعظم است
عمری به کار بیخود و بیجا چه می کند
با مدعی بگو که چراغت اگر چه هست
این دیدگان بسته هویدا چه می کند
با چشم دل به تماشا بیا که یار هست
ورنه سواد عقل جز حاشا چه می کند

@iribnabz

شناسنامه

گاهنامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی
جامعه رسانه اسلامی - دانشگاه صداوسیما

مدیر مسئول:

محمد حسین آرادی

سردبیر:

امیر موسیوند

طراح و صفحه آر:

حسین زارعی عظیمیان

هیئت تحریریه این شماره:

امیر موسیوند، امیر حسین کریمی،

سیده زهرا سیدآقای، محسن علیخانی،

محمد صادق عالی شونوی، محمد قانمی نژاد،

عباس نیک نفس، محسن تاجیک نژاد،

محمد زند کریمخانی

این نشریه صرفاً منعکس کننده نظرات نویسندگان
می باشد و مواضع رسمی این تشکل در بیانیه ها
منتشر میگردد.

شغل ما حسب ضرورت نظم و انضباط خاصی لازم دارد همه همکاران من خوب و زحمتکش هستند ممکن هست بر اساس ضرورت شغلی یا برخی مشکلات برخوردی شکل بگیرد اما هدف و نیت همه همکاران خدمت رسانی به دانشجویان و سایر مراجعه کنندگان است. من اگر نقطه مثبتی در رفتارم وجود داشته وظیفه من بوده و ویژگی خاصی نیست و این برخورد مناسب رو همه همکاران باید داشته باشند چرا که حراست پیشانی سازمان در خیلی از عرصه ها است البته جدیت هم نباید فراموش بشه که مانع خیلی از سوء استفاده ها است.

من از برخی از بچه های خوابگاه شنیدم که شما مدتی هم در اسارت نیروهای آمریکایی بودید و به نظرم تجربه جالبی بوده اگر صلاح میدانید قدری هم در این موضوع برامون حرف بزنید.

سال ۸۲ توفیق داشتم که به زیارت امام حسین (ع) برم که نیروهای آمریکایی زحمت کشیدن و ما رو به اسارت و بازداشت در آوردن! و حدود ۶ ماه در بند اونجا بودیم.

خوشحالم که در راه زیارت امام حسین (ع) این سختی رو کشیدم و در دوران بازداشت شش ماهه با ذکر و یاد ائمه و خصوصاً امام حسین (ع) سختی رو تحمل کردم و ثمراتش را هم در زندگی ام مشاهده کردم.

در پایان اگر توصیه ای برای خوانندگان دارید بفرمائید.

اگر کار برای خدا و با نیت پاک باشه و مردم رو دوست داشته باشیم همیشه موفق هستیم. در پایان هم توصیه ام به دانشجویان این است که در کنار اخلاص و دینداری، درس و ورزش رو جدی بگیرند چرا که با علم و دانش چرخ پیشرفت کشور به حرکت در می آید.

از تیم ملی جودو تا خوابگاه شهید نظام دوست!



و علوم ارتباطات شروع کردم و در سال ۹۷ مدرک کارشناسی ارشد در رشته علوم ارتباطات اخذ کردم. البته لازم هست این موضوع رو بگم که من در سال ۸۶ با مدرک دیپلم استخدام حراست شدم. سال گذشته آزمون دکتری دادم و علی رغم اینکه پذیرفته شدم بنا بر برخی مسائل شخصی از ادامه تحصیل انصراف دادم.

آقای حمیدی بچه ها همیشه از روحیه بسیجی و انقلابی شما تعریف می کنند. آیا فعالیت و سابقه انقلابی هم داشتید؟
بندہ الحمدلله از همان ابتدای نوجوانی توفیق حضور در بسیج رو داشتم و در رده های مختلف اون خدمت کردم الان هم به عنوان فرمانده پایگاه ناحیه مقدار مشغول به خدمت هستم و به همین واسطه آثار و برکات زیادی در زندگی ام مشاهده کردم. اگر موقعیتی در

برخلاف تصویری که خیلی ها از نیروهای حراست به عنوان افرادی خشک و جدی دارند آقای حمیدی مسئول خوش اخلاق و خنده روی خوابگاه نظام دوست مرام پهلوانی و بسیجی دارد و با خیلی از بچه ها در عین انجام وظیفه مثل یک دوست برخورد می کند، بچه ها می گویند افتخارات ورزشی زیادی دارد و مثل خودمان دانشجوی رسانه است. تصمیم گرفتیم گفتگوی با او داشته باشیم:

آقای حمیدی یک معرفی از خودتون داشته باشید و درباره فعالیت و سابقه ورزشی تون برامون بگید.

سید ابراهیم حمیدی متولد ۱۳۵۷ شهر تهران هستم و دو فرزند دارم.

بندہ به واسطه اینکه دایی ام کشتی گیر بود این موضوع انگیزه ای شد برای اینکه ورزش رو شروع کنم. از نوجوانی ورزش رو از مسجد و پایگاه بسیج شروع کردم، ابتدا با ورزش کشتی شروع کردم و در سال ۷۳ به رشته جودو علاقه مند شدم. در اکثر رده های سنی ورزش جودو چندین مقام کشوری کسب کردم. از سال ۸۴ مربی سازمان بسیج در رشته جودو شدم و بعد از طی مراحل مختلف در نهایت از سال ۹۲ تا ۹۵ مربی تیم ملی جودو کشور شدم و برای مدتی هم سرپرست تیم ملی بودم و الحمدلله توانستم پیروزی ها و عناوین متعدد قهرمانی رو برای کشور کسب کنم.

فعالیت در سازمان رو از چه زمانی شروع کردید؟ کمی هم از تحصیلاتون بفرمائید.
سال ۸۶ با آزمون ورودی به استخدام حراست سازمان درآمدم البته قبل از اون هم مدتی در وزارت بازرگانی و سپاه فجر مشغول بودم. از سال ۹۰ تحصیلاتم رو در رشته روابط عمومی

عباس نیک نفس:

کارشناسی ارشد علوم ارتباطات اجتماعی

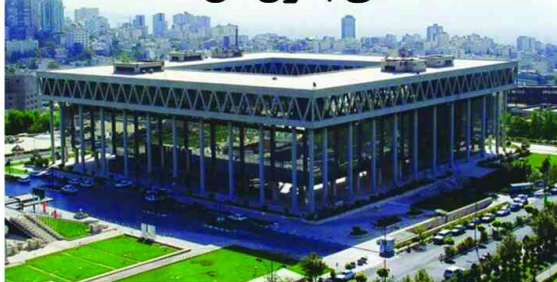
«خارج از مقیاس» جایی است وای آنجا که نفس کشیدنمان بند به اکسیژنش است، جاییکه حتی اگر دلفین رو و سرکشانه لحظه ای سرکش بکشم به آسمان و نه کوه و جنگل در چارچوب منطقمان نمی گنجد غافل از آن که شاید همان مبدایی است برای قلابی که گاه مقصدش سقف دهاتمان می شود تا کارمان از بی نهایت اقیانوس به ملق زند برای حضار سیرک انسان ها بشکند. خارج از مقیاس آنجا است که حتی گودرز و بشقیه هم همسفره می شوند و جالب آنکه از همین بی منطق ترین هم نشینی ها هم به قدر آفرینش ضرب المثلی بر دنیامان افزوده می شود. متر اگر کارش به دیکتاتوری برسد به قیاس شهر امروز و روستای دیروز چنان برچسب معالفراری می چسباند که وقتی سرمان بلندای برج های تهران را گزمی کند کورسرو نشانی از هویت و اصالت نصیبش نمی شود.

قیاس کلمکست، رویه قرن ۲۱، اسوشیتد پرس و امثالهم با صداوسیما جمهوری اسلامی حتی اگر جایشان را با مواردی مثل TRT ترکیه با فرهنگ و جمعیتی که به ایران قرابت بیشتری دارد عوض کنیم دهاتم را در جایی از مسیر منطق و انصاف و تشابه عینی به بن بست می خورد. همین است که خارج از مقیاس قیاسشان می کنم و قانع به قدر ضرب المثل گودرز و شقیه های که نصیبمان شود، نصیب من از نگارش و نصیب شما از خواندن احتمالی اش.



اگر رقم اعلامی عزله ضرغامی در جوابیه ای که خرداد ۹۵ بر صحنه های علی لاریجانی نوشت یعنی ۲۳۶۰۰ نفر را برای تعداد کارکنان سازمان صداوسیما بپذیریم و آن را با جمعیت بالای ۱۳ هزار نفرای که به نقل از مرکز پژوهش های مجلس و نائب رئیس کلون بازتستنگان برای مستیری بگیران سازمان ذکر شده جمع کنیم به حوالی همان رقم ۵۰ هزار نفرای می رسیم که ویکی پدیا ذیل

حتی بدون من!



جمعیت صداوسیما جمهوری اسلامی ایران ذکر کرده است. پنجاه هزار نفر را کنج ذهن داشته باشید تا خارج از مقیاس سراغ اعدادی برویم که آنسوی مرزها مان به چشم می خورد. کلمکست با تمام ملحقات ساخت و ساز و مخابراتی اش ۱۶۴ هزار نیرو دارد، وارنر کمی بیش از ۳۰ هزار و رویه پیر قرن بیست و یک، ۲۲۴۰۰ نفر، سی ان ان سه هزار و اسوشیتد پرس سه هزار و دوست نفر. مکان نما را حتی اگر به ناطی با فرهنگ و جمعیت کمی مشابه تر به خودمان بیاوریم به ارقام بالای ۱۰۰ برنمی خوریم، RTL در اروپا و خاصه آلمان ۶۰۰۰ کانال تلویزیونی و ۲۰ رادیویی را با ۹۰۰۰ نفر می گرداند و چرخ رادیو تلویزیون ترکیه یعنی TRT ده هزار نفر می چرخد. کلمکست اگر حدود سه و دینی اگر چهار برابر صداوسیما نفارت دارند سالنشان را با سود خالص ۱۰ و ۱۲ میلیارد دلاری مختومه می کنند و RTL در اروپا هم با همان جمعیت ۹ هزار نفرانش شش بیلیون دلار گردش مالی ایجاد می کند. پنجاه هزار نفره بوندلمان را تهدید بدلیم یا فرصت واقعیت این است که ما دغدغه ی روز و شبمان معطوف به این پرسش است که آیا حتی بودجه ی چهار هزار میلیاردی با حقوق و مزایای منافع انسانی هم ترازمان می کند؟ بودجه ی خارجی تنها بعنوان نیمی از منافع مالی سازمان ذکر می شود وقتی نیی دیگر که از چرخه ی اقتصادی اش حاصل می شود هم کسری های این سالیان را جبران نکرده یعنی همچنان کلیت ماجرا لنگ می زند پس با اینچنان هشت هزار میلیارد پول درون جیبمان است با نیامی از ورزشگاه آزادی که چشم امید به همان جیب مذکور دارد، چند سطر بالاتر هم ارقامی که برای بزرگ و کوچک برخی رسانه ها ذکر شد، آن هم

مقیاس است و به حکم منطق رایج قابل رد، اما مسئله اینجاست که گاه از حجم بهت حاصل از همین اعداد پرت و خارج مقیاس تلنگرهای کارتری می خوریم، پر واضح است که هیچ بنگاهی تنها با کم و زیاد کردن تعداد کارکنان به مقصد نرسیده و نمی رسد. شرایط ریز و درشتی در کشورمان منتهی به این می شود که نامی از تعدیل نیرو حتی میان گزینش های احتمالی هم به چشم نخورد کما اینکه کارشناسان مختلفی به سبب دلالتی که بعضاً در شماره ی ژوئن ۲۰۱۸ مجله ی Harvard Business Review ذکر شده تعدیل نیرو را منتهی به کاهش ۴۱ درصدی ضرایات شغلی و ۲۰ درصدی بازدهی در بازماندگان می دانند و توصیه نمی کنند اما قطعاً در تعدیل ۷۰ هزار تایی در ارتش ایالات متحده تا تعدیل ۱۴ هزار نفری شرکت مایکروسافت در ۲۰۱۴ میلادی و ۶۰ هزار نفری که IBM در ۱۹۹۰ تعدیل کرد و همه و همه جای مطالعه دارد.

البته که در لیست تعدیل های مهم دنیا آنچه که AT&T با صد هزار نیروی مازادش انجام داد و ضمن حفظ این جمعیت با آموزش تخصصی، آن ها را به فرصتی برای تحقق هدف گذاری برای سال ۲۰۲۰ تبدیل کرد قرابت و هم نشینی مناسب تری با وضعیت ما در بر دارد.

چند پاراگراف عدد و رقم و آسمان و ریسمانی که از ابتدا باقم به این خاطر بود که اینجای کار وقتی از حجم انتظار و خواست خودم و خودتان برای جذب در سازمان غلیه می کنم کمتر آبرو گره بزنید، اصلاً همه ی ما تر را در همین شش سطر انتهای اش بخوانید. اینقدر جذب سازمان دشمنان مسئله است که فرهنگ و اکوسیستم کلی دانشگاه هم قمری شده که حول همان می گردد. نمی دانم و بپرسو جذب از تن دانشجو به مسئول افتاده یا از مسئول به دانشجو اما جریان این است که دانشجو توقع جذب حداکثری دارد و مسئول هم دغدغه ی فراهم کردن شرایطی برای جذب یکایکمان. اگر آینده و کارکردی بالاتر از این ها برای صداوسیما ایران قائلیم پس چه بهتر که هدف هم نیل به همان باشد، حتی بدون من!

جایی در همان بحث میان آقایان ضرغامی و لاریجانی از تعداد پهنه ی ۱۳ هزار نفره برای کارکنان سازمان سخن به میان آمده است. طبق لیستی که تابناک در هیاهوی قانون منع به کارگیری بازتستنگان از بازتستنه های صداوسیما منتشر کرد ۱۱ هزار نفر در حد فاصل مهر ۷۷ تا آبان ۹۷ خدمت خود در سازمان را به اتمام رسانده اند. یک حساب و کتاب خارج از مقیاس دیگر به آنجا می رسد که اگر فرض کنیم هیچ نیروی جدیدی جذب صداوسیما نشود و هر بیست سال ۱۱ هزار نفر و نه اصلاً ۱۵ هزار تا از این جمع پنجاه هزار تایی کاسته شود قریب ۵۰ سال زمان برای رسیدن به ۱۳ هزار تایی طلایی لازم داریم. ابتدای کار گفتم که اساس کار خارج